



۲۰۱۳/۰۹/۰۲

فرید افغانیار

به جواب داکتر صاحب هاشمیان

هرچند در اول تصمیم داشتیم که در صورت نوشتن جواب از طرف داکتر صاحب هاشمیان، خاموشی اختیار کنیم ولی ذره نوازی داکتر صاحب وادارم ساخت تا چند سطر دیگر هم خدمت شان عرض بدارم زیرا طوریکه می بینم یک غلط فهمی در اینجا رخ داده و برای رفع آن لازم می دانم ذهن خوانندگان عزیز و داکتر صاحب را بیشتر روشن و در عین زمان از کتله ها و کنایه هایی که راکت وار بالایم پرتاب شده، خود را گوشه هم بنمایم.

با تشکر از داکتر صاحب هاشمیان که در ابتدای نوشته شان منحنیت یک افغان به این بنده هیچ بدان (مکتب گریز هوش پرک!) این حق را قایل شدند تا در مورد طرح ایشان و در ارتباط به مسایل ملی کشورم ابراز نظر نمایم. من هم در ابتدا فکر می کردم این حق را نه تنها اینجانب، بلکه هر افغان دارا می باشد ولی متأسفانه در مورد (ساحه صلاحیت و معلومات خود) که جناب داکتر صاحب هاشمیان مرا به آن انتقاد و تمسخر نموده اند، دچار مشکل شدم که ساحه صلاحیت یک فردی که می خواهد در مورد مسایل کشور خود نظری ارائه بدارد، تا کجا و چه می باشد.

به نظر بنده در دنیای رسانه ها، امروز ساحه صلاحیت، یک ادعای بی معنی است. زیرا هر فرد در صورت دسترسی به اینترنت می تواند نوشته ها و نقطه نظرهای خود را (در ساحه صلاحیت و معلومات خود) در آن واحد در معرض دید جهان قرار دهد که همین طور هم می شود. امروز این امکانات به همه میسر شده، تا دانسته و ندانسته نظر مثبت و یا منفی اش را، مسؤولانه و یا غیر مسؤولانه در مورد مسایل ملی و جهانی ابراز و به جهانیان عرضه بدارد. بمیان آمدن شبکه اجتماعی فیسبک و موجودیت ده ها سایت اینترنتی افغانی امکانات نشر هر گونه نقطه نظر را میسر ساخته است.

موضوع مهم دیگر اینکه تنها ناشران و مسؤولین سایت ها به شمول پورتال ملی افغان جرمن آنلاين صلاحیت دارند که با در نظرداشتن پالیسی نشراتی شان در مورد نشر یا عدم نشر مقالات و نوشته ها تصمیم بگیرند نه من و نه داکتر صاحب هاشمیان که هرگاه بخواهیم، مقالاتی را که به مزاج و طبع ما برابر باشد اجازه نشر دهیم و آنانی را که خلاف نظر و سلیقه ما نوشته شده به زباله دانی بیاندازیم و نویسنده آنرا خوب یک قف پای ادبی هم ورداریم.

در کنار آنچه گفته شد، امروز مسأله آزادی بیان حق مسلم هر انسان است و تقریباً اکثریت مطلق کشورهای جهان، این حق را به اتباع خویش داده و در هیچ نقطه دنیا این انتخاب سلیقه بی وجود ندارد که تنها نویسندگان محترم و سابقه دار و با تجربه و زبانشناسان در هر مسأله قلم فرسایی نمایند، در انتخاب و نشر نوشته ها، ابراز نظر را بخود اختصاص دهند و دیگران را توصیه نمایند که زمانیکه به پوهنملی و پوهنوالی رسیدند، حق نوشتن را حایز می گردند. این کار جزء انحصار طلبی فردی، صلب حقوق دیگران و خود خواهی اسم دیگری نمی تواند داشته باشد.

جناب داکتر صاحب بخاطر تخصصی که در رشته زبانشناسی دارند، اعتراف می نمایم که معلومات و مطالعات شان درین زمینه به مراتب بیشتر از اینجانب است، و معلومات خیلی مفید و تاریخی در مورد زبان های ملی کشور ارائه داشته اند. اما بدون شک در رشته مسلکی خودم، نسبت به داکتر صاحب هاشمیان من بیشتر با تجربه و با معلومات هستم، و بدون شک هر شخص دیگر به همینسان. . . ولی این بدین معنی هم شده نمی تواند که آنچه از قید قلم ایشان بر روی صفحه می ریزد برای دیگران قابل قبول و غیر قابل تردید باشد. که مثال بارز آن عذر بدتر از گناه شان است چنانچه در دفاع از خود می نویسند: « هاشمیان احتراماً به عرض می رساند که نوشته فوق از هاشمیان نیست، عبارتی که هاشمیان در مقاله خود نوشته ازین قرار است: « در حالیکه زعمای گذشته ما (بیزبان) بوده اند. متصدیان افغان جرمن آنلاين کلمه بیزبان را بخاطر کنایه حذف نموده اند و در عوض زبانهای بیگانه نوشته اند...» »

حال اگر این نوشته داکتر صاحب را مورد غور قرار دهیم همه می دانیم که در اصطلاح عامیانه کلمه «بیزبان» به حیوانات از قبیل گاو، گوسفند، بز و غیره اطلاق می شود. این کلمه مهم نیست که چندین معنی دارد یا یک معنی. اما این فرموده داکتر صاحب هاشمیان درین نوشته می تواند توهین بزرگی باشد به زعمای قبلی کشور ما. زیرا

آنها هر آنچه بوده اند، بیزبان یعنی حیوان چهار پا نبوده اند و این حکم از قلم دانشمندی که دیگران را اجازه نوشتن و ابراز نظر نمی دهند، خیلی ها بعید است. باید به این استدلال و قدرت نویسندگی شان تیریک گفت. هکذا با معلومات افشانی در مورد زبان، داکتر صاحب خواسته اند این قلم را به نوشتن دور از آداب نگارش متهم ساخته و در ضمن «چهار زانو بنشینند» زیرا در مقاله قبلی منظور از انتقاد من، بیحرمی یک پوهاند و دانشمند کشورم بود که در برابر بزرگان، زعما و شخصیت های براننده کشورم صورت گرفته بود که ایشان نه تنها در محدوده افغانستان بلکه در سطح بین المللی شخصیت های شناخته شده بودند و افتخارات بس عظیمی را برای این سرزمین کمایی نموده اند که تا افغانستان است نام های ایشان با خط زرین ثبت تاریخ است و خواهد بود. اگر پوست کنده تر عرض کنم ترا بخدا آقای هاشمیان گرامی آقای کرزی کجا و اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و شهید سردار محمد داود خان کجا؟ آقای کرزی کجا و شخصیت مدبر، دانشمند و سیاستمدار بی نظیر کشور مرحوم محمد هاشم میوند وال و همچنان نویسنده، شاعر و سیاستمدار شهیر کشور مرحوم استاد پژواک کجا؟ و همچنان شخصیت های دیگری که در مقاله ام از همه آنها نام برده ام. من مطمئن هستم که اگر خود آقای کرزی این در افشانی شما را در مورد خودش که آنهمه رهبران و بزرگان کشور را (بیزبان) و آقای کرزی را دارای فضیلت خوانده اید، بخواند، عوض جایزه و نوازش، سرزنش را نصیب میشوید.

من با علمیتی که در شأن جناب هاشمیان سراغ داشتم انتظار جواب خیلی ها منطقی، مدلل، معقول و مناسب را داشتم نه یک مشت توهین و تحقیر و کتره و کنایه و **تهمت** را به من و به اعضای محترم و بزرگوار پورتال معظم و ملی افغان جرمن آنلاین. چنانچه در مقاله شان که مورد نقد بنده قرار گرفت خودشان چنین نوشته اند: «**من با نظر جناب مایار صاحب موافقم که آقای حامد کرزی به مقایسه بسیاری رهبرهای گذشته افغانستان مزیت داشته و در یک مورد بخاطری چربی میکند که....**».

من احترام بیحد به شخصیت جناب مایار و سایر هموطنان دانشمندم دارم، مانند بعضی ها از شکم حرف بیرون نکشیده ام بلکه مستند نوشته ام و بالای نوشته نشر شده خود داکتر صاحب، که در بالا نقل شد و انکار ایشان بیفایده است، نقد نوشته ام و هرگز بدون موجب و خود سرانه نام یک شخصیت محترم دیگر را به میدان نکشیده ام.

به نظر بنده آسان ترین شیوه نگارش، کسی را سهل و سبک کردن است اگر جناب هاشمیان از توهین و کم اهمیت نشان دادن بزرگان تاریخ ما در مقابل کرزی صاحب، احساس ندامت و معذرت خواهی نکردند، لطف نموده با دامن زدن بحث زبان و پرتاب تیر های هوایی خود را به اصطلاح از موضوع تیر نیاورند. بهتر است به این مقوله پابند شد که: «**یا سخن سنجیده گو ای مرد دانا یا خموش**». اگر تمامی خوانندگان این پورتال به اندازه ایشان دانشمند و زبان شناس نیستند، منطق تمیز خوب از بد و درست از نادرست را دارند و با لفاظی نمی توان آنها را فریب داد و از حقیقت گریز نمود. باز هم جا دارد از دانشمندان و قلم بدستان پورتال افغان جرمن آنلاین تشکر نمایم که در نوشته های وارده دانشمندان و خامه های خام تازه به میدان مانند بنده، اصلاحات ضروری را می آورند ورنه نمی دانم چه کچری قروت هایی را در صفحات شان به تماشای خواهیم نشست و مطالعه خواهیم نمود.

در یک بخش دیگر داکتر صاحب هاشمیان بالای بنده انتقاد نموده اند که «ها» و «آن» پسوند نه بلکه کلمه جمع اند که اینرا همراهی شان نه تنها موافقم بلکه یک شاگرد صنف ۵ مکتب هم می داند و حاجت به اینهمه طمطراق نیست شاید بالای زیاد دقت نکرده باشم که پسوند بنویسم یا علامت جمع. ولی در نوشته داکتر صاحب استعمال «**ده نفر ملیار بر ها**» مرا مشکوک ساخت ولی حالا معلوم شد که این سهو صرفی از طرف جناب داکتر هاشمیان صورت نگرفته و موضوع حل شد. ولی به این هم جداً باور دارم که اینکار از طرف مسؤولین افغان جرمن آنلاین قصدی نبوده و نباید آنرا گناه پنداشت و جنجال برپا نمود. اشتباه انسانی است و از قلم هر کس میتواند صورت گیرد و این یک فاجعه نیست.

اما بهتر است بجای نیش زدن و نوشته دیگران را از روی تمسخر چپوله و یا با نام نامانوس دیگری یاد کردن، بیشترین دقت را بالای نوشته های خودشان معطوف بدارند. نوشته من جز اینکه گستاخی! کرده، چند اشتباه فاحش، چند تهمت بر بزرگان و شخصیت های محترم را از زبان یک پروفیسور برملا ساخته، کدام کم و کاستی دیگری ندارد اما چندی قبل نوشته طنز ماندنی را از داکتر صاحب هاشمیان در همین پورتال زیر عنوان «**طبقه اصناف به سیاف رأی میدهند**» مطالعه نمودم که بدون هر نوع تنگ نظری میخوام اعتراف نمایم که زشت ترین و بدنام ترین و ناقص ترین نوشته ای بود که در عمرم خوانده ام. بنظر من این طنزگونه دو نقص عمده دارد:

اول اینکه به سوییۀ یک متعلم صنف ۸ و ۹ نوشته شده، هیچنوع خصوصیت یک طنز در آن دیده نمی شود، بلکه لُج و بی پرده مستقیماً بالای کسانیکه خود را ریشخند نموده و برای دور آینده خواب های ریاست جمهوری را می بینند، ناخت و تاز بی مزه و بی کیفیت نموده و هیچ نوع شیرینی و پیام دلچسپی برای خواننده ندارد. مشوره من اینست که داکتر صاحب بهتر است در مورد طنز نویسی و مشخصات و انواع طنز هم یک اندازه وقت شان را اختصاص داده، معلومات لازم را کسب و بعد از آن به نوشتن طنز اقدام نمایند.

موضوع دوم که مهمتر از موضوع اولیست، لهجه ایست که از اصناف یاد نموده اند در حقیقت امر در نوشته شان بطور آشکارا به کم زدن، اهانت و خوار شمردن پیاز فروشان، کچالو فروشان، توت فروشان، تلخان فروشان و... پرداخته اند. اینها کسانی اند که از آبله کف دست شان نان می خورند و دست های شان قابل بوسیدن است نه اینکه در یک نوشته ناقص و بی سر و پا از آن طبقه زحمتکش و باهمت بطور توهین آمیز یاد شود. و چون خود شان هم از چپوله بودن و مزخرف بودن نوشته شان مطمئن بودند، با یک نیرنگ مطبوعاتی کهنه، آنرا گزارشی که از کابل برای شان رسیده ماست مالی نموده اند.

درین شکی نیست که داکتر صاحب هاشمیان یکی از شخصیت های دانشمند کشور و قابل احترام هستند و من با احترامی که به علمیت ایشان دارم، قلباً آرزو نداشتم و ندارم با ایشان درگیر شوم ولی با یک نظر کوتاه و سر سری در آرشیف نویسندگان دریافتم که از جمله ۵۶ مقاله ایشان تقریباً ۲۰ مقاله شان در مباحثه و مناقشه و توصیف و مذمت دیگر نویسندگان صرف شده و نوشته قبلی من به آن اندازه بی سویی و چپوله که داکتر صاحب خوانده اند نبود بلکه به نکات بسیار مثبتی تماس گرفته بود. بنظر بنده، بزرگان را گفتن اینکه «بالای چشم شان ابروست» خطای بزرگی نخواهد بود و در نوشته قبلی حتماً همین خطا سر زده بوده.

این نوشته را می خواستم ادامه دهم که مقاله ای به قلم جناب ولی احمد نوری از پورتال وزین افغان جرمن آنلاین در همین رابطه نظرم را جلب نمود. با مطالعه نوشته ایشان، دیدم هر آنچه در دیگ بود در ملاقه برآمد و در عین زمان بیت شاعری بیادام آمد و لازم دانستم با تقدیم آن، نوشته ام را خاتمه دهم:

« خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا »

در اخیر یک خواهش صمیمانه از پورتال افغان جرمن آنلاین، لطفاً این نوشته و سایر نوشته ها را که برای شما مواصلت می نماید، برای یک هفته بدون اصلاح و همانطوریکه هست، نشر نمایند. امید پذیرفته شود. ۲۰۱۳/۰۸/۲۸

والسلام

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ